

نگاهی به محدود کردن عزاداری‌ها در دوره رضاشاه که باعث رواج روضه های خانگی در شهر های مختلف ایران به ویژه مشهد شد

عزای حسینی درکنج خانه‌ها

حسین بیات| ایرانیان از دیرباز دوستدار خاندان عترت و مفتخر به ولایت آنان بوده‌اند. تاریخ می‌گوید قبیله بنی حمرا، از قبایل ایرانی تبار شیعی مذهب کوفه، نخستین کسانی هستند که پس از واقعه کربلا، آشکارا مجالس عزاداری عاشورا را به پا می‌کنند و برای خون خواهی سیدالشهدا^(ع) به مختار ثقفی می‌پیوندند. پس از شهادت امام‌رضا^(ع) و دفن پیکر مطهر ایشان در مشهد، عزاداری امام حسین^(ع) در ایران، رنگ‌وبوی دیگری می‌گیرد و سبب می‌شود ایرانیان آن را هر ساله و به‌طور مداوم برگزار کنند. برگزاری این عزاداری‌ها البته در طول زمان دچار فراز و فرودهایی است؛ برای مثال با روی کار آمدن آل بویه که خود ایرانی و شیعه هستند، شیعیان و دوستداران امام حسین^(ع)، مجال بیشتری برای عزاداری پیدا می‌کنند یا در دوره صفویه و حمایت رسمی آنان از تشیع، برپایی عزاداری دامنه گسترده‌تری می‌یابد و در سراسر نقاط ایران متداول می‌شود. در دوره‌هایی هم البته این آیین با محدودیت‌هایی روبه‌روست؛ از جمله در زمان حکومت پهلوی اول که برپایی مجالس عزاداری محرم و روضه‌خوانی ممنوع می‌شود. در مجال امروز نگاهی انداخته‌ایم بر محدودیت عزاداری‌ها در دوره رضاشاه؛ البته عزاداری حسینی در دوران رضاشاه را باید در دوبازه زمانی مجزا بررسی کرد؛ یکی دوره پیش از شروع ممنوعیت و محدودیت در عزاداری‌ها که قبل از تحکیم پایه‌های قدرت رضاشاهی و مبدل شدن او به یک مستبد کامل است و دوم، دوره پس از ایجاد ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها، قبل از کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی و ظهور رضاشاه در عالم قدرت و سیاست.

● جلودار دسته قزاق‌ها

مراسم عزاداری حسینی در ایران فرازونشیب بسیاری را طی کرده است. مراسم و محافل عزاداری محرم که پس از مشروطه دوم دچار رکود شده بود، در سال‌های پایانی حکومت احمدشاه قاجار و پیش از کودتای رضاخانی، دوباره رونق می‌گیرد. مرحوم «آیت... حسین بدلا» در کتاب خاطرات خود نقل می‌کند: «در دوره ناصری، حکومت به برپایی مجالس عزاداری اهتمام ویژه‌ای داشت. بعد از مشروطه دوم از رونق اولیه عزاداری کاسته شد، اما احمدشاه تا حد زیادی سعی می‌کرد وضعیت سابق را زنده کند؛ به همین منظور، شخصا در مراسم عزاداری شرکت می‌کرد و دولتمردان را نیز به شرکت در آن مراسم تشویق می‌نمود.»

بر همین اساس، رضاخان نیز که با کودتای ۱۲۹۹ به فضای سیاسی کشور راه یافته است، رویه حضور در مراسم عزاداری را در پیش می‌گیرد. در این دوره، هم مردم و هم خود رضاخان و دستگاه حکومتی به برگزاری هرچه باشکوه‌تر سنت عزاداری حسینی و مجالس و مراسم سوگواری سیدالشهدا^(ع) تأکید می‌کنند؛ به همین دلیل از سال ۱۳۰۰ خورشیدی تا قبل از ایجاد محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی برای برپایی مجالس عزاداری، در تکیه‌ دولت، در حضور شاه و درباریان و همچنین در ادارات دولتی و نظامی و حتی در مجلس شورای ملی، محافل روضه‌خوانی برپا می‌شود. در این زمان، تکیه قزاق‌خانه به دستور شخص رضاخان، از مراکز مهم عزاداری و روضه‌خوانی است.

«آیت... بدلا» در همین زمینه می‌گوید: «آقا سید کمال الدین بهمهانی، برادر آقا سید عبد... بهمهانی، (مؤسس مشروطیت بود) روضه مفصلی داشت که همه سران مملکت هم می‌آمدند. به من خبر دادند امشب دسته قزاق‌ها می‌آیند روضه سید کمال الدین. گفتند دسته بدجوری منظم و مرتب و مستقیم است. یک مو نمی‌زند. این جور، رضاخان قدرت دارد که دسته را منظم کرده است. شب شام غریبان هم شمع‌ها در یک خط مستقیم قرار داشت. تا شاه نشده بود، خوب این برنامه‌ها را منظم نگه می‌داشت؛ مثلاً روضه برقرار می‌کرد در قزاق‌خانه. منبری‌های درجه اول [را] هم دعوت می‌کرد و از همه محلات و دسته‌جات برای عزاداری می‌رفتند قزاق‌خانه. این اندازه برای روضه و عزاداری فعالیت داشت.»

● تغییر «برگزار کننده» به «حامی»

رضاخان سردار سپه در دوران وزارت جنگ نیز عزاداری‌های محرم را به‌صورت مفصل برگزار می‌کند. سال ۱۳۰۰ از روز

۱۳۱۱: رضاخان
تعطیلی چهارروزه محرم را به‌سروز کاهش داد و اعلام کرد از برپایی آیین‌های مرسوم در عزاداری‌ها جلوگیری شود.

۱۳۰۱: محرم این سال،
رضاخان میر پنج، برای مشروعیت یافتن میان مردم با یقه باز، پیشاپیش هیئت عزادار در میدان توپخانه حرکت کرد.

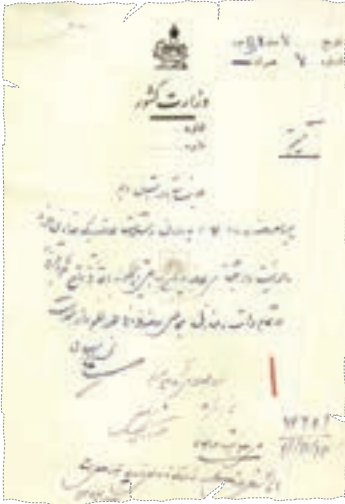
سال شمار محرم در دوره رضاخان

۱۳۱۴: رضاخان دستور داد
عزاداری هافقط در نکایا و مساجد برگزار شود. عزاداران فقط مجاز به روضه خوانی هستند و سینه‌زنی و به راه انداختن دسته در خیابان، غدغن است.

۱۳۱۶: طی اعلامیه محرمانه
وزارت داخله، روضه خوانی هم ممنوع شد. در این دستور، هدف از چنین کاری، دور کردن مردم از خرافات و آشنا کردن آن‌ها با تمدن امروزی بیان شد.

۱۳۱۹: دولت رضاخانی
به سران اصناف و بنگاه‌ها دستور داد جشنواره جشن و شادی راه بیندازند که برگزاری این جشنواره‌ها، مصادف با ایام تاسوعا و عاشورای حسینی بود.

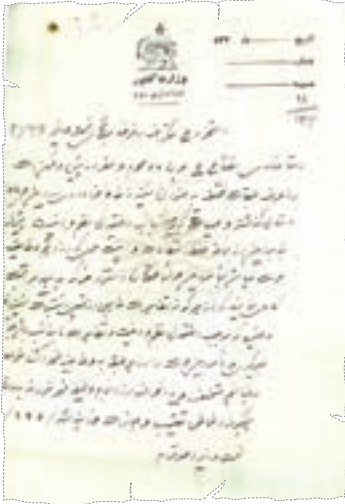
۱۳۲۲: مردم بی توجه
به ممنوعیت عزاداری، مراسم تاسوعا و عاشورای حسینی را در نکایا برگزار کردند و در پی آن، برپایی مجالس روضه خوانی نیز در خانه‌ها باب شد.



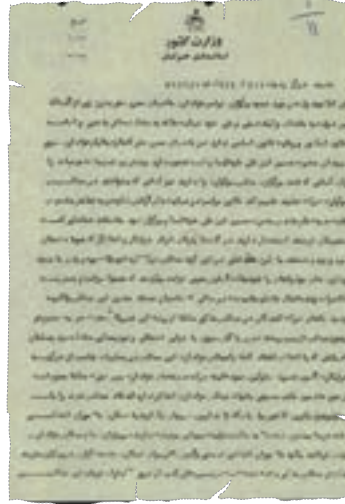
ملزم شدن کخدایان و ژاندارمری برای کنترل مراسم عزاداری دهه محرم



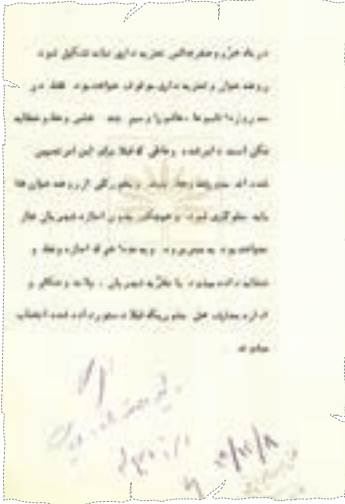
رضا خان در سفر به کربلا پیش از به قدرت رسیدن و اجرای قانون ممنوعیت عزاداری های ماه محرم



دستور نخست وزیر به استانداردی‌ها درباره جلوگیری از حرکت دسته‌جات سینه زنی در ایام محرم ۱۳۲۱



نحوه برگزاری عزاداری محرم در مشهد به شیوه دستور داده شده توسط پهلوی اول



ممنوعیت تشکیل مجالس عزاداری ماه محرم و صفر

محدود شدن روضه‌های دولتی و ممنوع شدن بعضی اقسام عزاداری: ابتدا محل روضه قزاق‌ها در تهران به تکیه دولت انتقال یافت. زنجیر زدن و دسته‌بندی که همیشه در روضه‌ها متداول بود، هم در تکیه دولت برگزار نشد. همچنین تعداد روزهای تعطیل در دهه اول محرم از چهار روز به سه روز کاهش یافت و از کارهای فرعی و مرسوم مثل زنجیر زنی در دسته‌های عزاداری جلوگیری شد.

تغییر صورت ظاهری عزاداری به مراسم کلیسا: در مجالس روضه از میز و نیمکت به رسم کلیساهای غربی استفاده‌شود. رضاخان در پاسخ به نامه ستاد ارتش در تاریخ ۱۲۳ اسفند ۱۳۱۴ خورشیدی، درباره چگونگی برخورد با مراسم ایام محرم در مساجد و نکایا چنین دستور داد: «البته بایستی روضه خوانی کنند و ممانعت نمی‌شود. ولی روضه خوانی بایستی در مساجد و نکایا باشد. آن هم مرتب و باقاعده و در روی نیمکت‌ها، مستمعین بنشینند و آقایان محدثین و متخصص، روضه خوانی کنند. سینه‌زنی و این قبیل کارهای سابق به کلی ممنوع است.»

خرافه شمردن عزاداری: بعضی جنبه‌های عزاداری در آن دوران مثل قه‌زنی، وجهه خوبی نداشت و به همین بهانه، کل مراسم خرافه انگاشته شد. رژیم برای عملی کردن این کار در اسفند ۱۳۱۶ هجری شمسی، طرح «ممنوع بودن روضه خوانی، را با توجیه بیرون کشیدن خرافات از سر مردم، به استانداردی‌ها ابلاغ کرد.

ممنوعیت کامل عزاداری: وزارت داخله حکومت پهلوی در اسفند ۱۳۱ هجری شمسی طی یخشنامه‌ای به تمام استانداردی‌ها و فرمانداری‌ها اعلام کرد: «جلوگیری از روضه خوانی و خارج کردن خرافات از سر مردم آشنا نمودن به اصول تمدن، امروزه رسالت اساسی داخلی دولت است؛ حتی کار به جایی رسید که در هنگام مراسم ترحیم افراد - که معمولاً ذکر مصیبت ائمه^(ع) گفته می‌شد- نیز محدودیت‌هایی برقرار شد که طی آن در این نوع مراسم، واظ حق ذکر مصیبت را نداشت.



مشهد در دوران ممنوعیت عزاداری‌های محرم



عزاداری امام حسین^(ع)، حرم امام رضا^(ع) ۱۲۸۱ سال پیش

می‌گرفتند که دیگر روضه نخوانند، به همین دلیل بود که روحانیان و روضه خوانان شهر وقتی در مجلسی حاضر می‌شدند، از مردم می‌خواستند آرام گریه کنند، مبادا صدا به گوش بیگانه‌ای برسد و خبر به عوامل حکومتی برسد.

مشهد دوره قاجار یک شهر با آیین‌های با شکوه مذهبی است که در ایام محرم میزبان عزاداران بسیاری بوده اما این شکوه در دوره پهلوی اول با تصویب قانون ممنوعیت عزاداری در ماه محرم به خاموشی می‌گراید. اسناد می‌گویند به دلیل واقعه مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ این ممنوعیت زودتر و با سخت‌گیری بیشتری اعمال می‌شود. با این همه مردم این شهر برای حفظ رسوم ماه محرم راهکارهای دیگری را پی می‌گیرند.

حجت الاسلام «حاج آقا سید محمد مهدی طباطبایی شیرازی»، نماینده دور دوم و سوم مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، در خاطرات خویش نقل می‌کند: «در همان مشهد قرار شد که برنامه روضه خوانی باشد. پدرم مرا هم برد با خودش و گفت قرار است بچه‌ها داخل کوچه باشند که خبر بدهند، اگر مأموری آمد، بچه‌ها را برت بدهند. آن وقت رفتیم در محمدآباد مشهد، [در] باغ انگوری، مجلس عزاداری برپا شد، درواقع این شکل از برخورد با اعتقادات دینی مردم، سبب می‌شود خانواده‌های مذهبی، آیین‌های عزاداری محرم را به شکل پنهانی و زیرزمینی یا در باغ‌های بیرون شهر و حتی در حمام‌های عمومی با حضور تعداد محدودی از افراد برگزار کنند.

سال خوردگان مشهدی در خاطراتشان گفته‌اند که عوامل حکومتی، علما را می‌گرفتند، قبایشان را قیچی می‌کردند و پس از تحمل یک ماه حبس، تعهد

ذوالجناح هم داشتند.»

● شروع محدودیت‌ها به بهانه ممنوعیت خرافات

رضاشاه پس از رسیدن به سلطنت و تحکیم پایه‌های قدرت‌ش، تغییر رویه می‌دهد. او در اولین اقدام مستقیمی که پس از رسیدن به سلطنت انجام می‌دهد، محل روضه قزاق‌خانه را به تکیه دولت منتقل می‌کند و به نوعی از شکوه و جلال و مدت آن می‌کاهد. در این دوره، اولین مراسمی که به‌طور رسمی و دستوری ممنوع می‌شود، رسم تعزیه و شبیه‌خوانی، قه‌زنی و زنجیر زنی [از جمله زنجیرهای تیغ‌دار] است. قه‌زنی طی دستوری در سال ۱۳۰۸ ممنوع می‌شود. رضاشاه به دو دلیل این مراسم را غدغن اعلام می‌کند، یکی مخالفت برخی از این مراسم با اصول بهداشتی و دیگری به دلیل خرافه دانستن آن‌ها.

رضاشاه از این آسیب بهره می‌برد، چون او‌هام و خرافات رسوخ کرده به مراسم، نه تنها مورد تأیید هیچ قوه عاقله‌ای نیست که مراجع و روحانیان شیعه هم دل‌بستگی به این گونه رسوم ندارند. رضاشاه با ممنوعیت چنین مراسمی، در تقابل با روحانیان و اکثریت مردم قرار نمی‌گیرد و تا

سال ۱۳۱۰ خورشیدی، مراسم مذکور ممنوع اعلام می‌شود. «آکی ٹوکازاما»، بانوی جهانگرد ژاپنی که بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ به ایران آمده است، پس از شرحی از تعزیه در ایران، در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «من از یخت بد نتوانستم در مدت اقامتم در ایران، این تعزیه را که حال‌وهوای هزارویک‌شب دارد، ببینم. امروز تکیه دولت، دیگر وجود ندارد و نشنیده‌ام که شاه (کنونی) به دیدن این تعزیه رفته باشد.»

● دسته ممنوع، روضه محدود

مرحله بعدی محدودیت و ممنوعیت، برای دسته‌جات عزاداری رخ می‌دهد، رضاشاه ابتدا در این امر، محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. «مریت ها کس» آمریکایی در خاطراتش از سال ۱۳۱۱، در کتاب «ایران، افسانه‌ها و واقعیت» می‌نویسد: «در بیشتر شهرها تردد دسته‌ها محدود به نواحی خاصی در شهر می‌شد، مانند بازارها و میدان‌هایی که چندطرف آن را بسته بودند و مذهبی‌ها مجبور بودند به‌دور آن حرکت کنند. فرمانداری بسیار روشن فکر تصور می‌کرد محدود کردن دسته‌ها به

نقاط نسبتاً خلوت، از شکوه و عظمت شهدا خواهد کاست. برخی تصور می‌کنند و بعضی امیدوارند که رسم دسته راه‌انداختن، کم‌کم به‌طور کامل از بین برود.» بالاخره تا سال ۱۳۱۴ دسته‌جات عزاداری نیز ممنوع می‌شود و تنها برپایی روضه در مساجد، نکایا، اماکن عمومی و خانه‌ها مجاز است.

● تکمیل ممنوعیت‌ها

پس از طی این مراحل، رضاشاه هدف اصلی و نهایی خویش را اجرا می‌کند و آن، منع روضه و روضه‌خوانی، و جلسات سوگواری و عزاداری سیدالشهدا^(ع) است. اقدام دولت در ضدیت با روضه‌خوانی، آن‌چنان است که از واکنش مذهبی مردم بیم دارد و چنین دستور داده می‌شود: «این اقدامات با مناتت صورت گیرد، سرانجام تا سال ۱۳۱۶، مراسم روضه‌خوانی نیز مانند دیگر مراسم عزاداری حسینی، ممنوع می‌شود، اگرچه مردم به‌صورت مخفیانه و پنهانی در خانه‌ها، مکان‌های دورافتاده و حتی گاهی در صحرا و بیابان، همچنان مراسم روضه و عزاداری را برگزار می‌کنند.